

کارکردهای انجمن ایالتی آذربایجان در عصر مشروطیت به روایت از روزنامه

انجمن تبریز و اسناد نویافته

سعید آتشبار

دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

منیژه صدری (نویسنده مسئول)

استادیار، تاریخ، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. شبستر

manijehsadri@gmail.com

سید محمود سادات

استادیار، تاریخ، گروه تاریخ، علوم انسانی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

منیره کاظمی راشد،

استادیار، تاریخ، گروه تاریخ، علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (۲۷۱-۲۰۰۸: ISSN) - سال ۱۶ شماره ۶۰ - صفحه ۲۵-۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸

چکیده:

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مجموعه کامل شماره های روزنامه انجمن تبریز و مجموعه اسناد شخصی امیرحسین نیک پور تنظیم شده است. این مقاله تلاش دارد دیدگاه ها و اقدامات انجمن ایالتی آذربایجان به نقل از روزنامه انجمن تبریز و برخی اسناد نو یافته در عصر مشروطه را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. انجمن ایالتی آذربایجان که ابتدا تنها برای نظارت بر انتخابات وکلای مجلس شورای ملی به وجود آمد، به تدریج چنان نفوذی یافت که به صورت تنها مرجع دادخواهی مردم آذربایجان در آمد و چون در هر امری مردم مستقیماً به آن مراجعه می کردند به عنوان ارگان رسمی از طرف اقشار مختلف مردم پذیرفته شد. انجمن تا حد زیادی تابع نظرات و خواسته های مردم بود و تمایل به شرکت مردم در کارها و اطلاع آنها از تصمیمات متخذه داشت. بر این اساس، در از میان برداشتن رسوم اجحاف آمیز، تأسیس بلدیّه و نظمیه، نظارت بر امور دولتی و نظایر آن گام برداشت. یافته های پژوهش نشان می دهد اعضای انجمن ایالتی آذربایجان مسئولانه پاسخگوی مردمی بودند که با استقرار مشروطیت و با توجه به نقشی که در آن ایفا کردند، تغییراتی اساسی را خواستار و خود را ذی حق می دانستند که در جریانات مختلف حاضر و ناظر باشند.

کلیدواژه ها: حکومت قاجار؛ نهضت مشروطیت؛ انجمن تبریز؛ روزنامه انجمن؛ اسناد تاریخی.

نهضت مشروطه، یکی از مهم‌ترین تحولاتی است که تاریخ معاصر ایران را از تاریخ گذشته آن جدا کرده و حیات سیاسی و اجتماعی جدیدی را برای ایران رقم زده است. در تدارک مقدمات مشروطه‌خواهی در ایران، شرایط و فضای فکری جدید؛ زمینه را برای گسترش نهادهایی تازه فراهم آورد و انجمن‌های ایالتی و ولایتی از بدیع‌ترین نهادهای این دوره از تاریخ ایران است که برای پر کردن خلاء مشارکت‌های مردمی در امور ایالات و ولایات کشور برپا گردید و نشان دهنده گسترده‌گی ابعاد نهضت ضد استبدادی و آزادی خواهانه مردمی بود که به صورت مستقیم و بلاواسطه تمایل آنان به مشارکت در حیات سیاسی کشور را آشکار ساخت. نهاد انجمن‌ها که بعدها بر اساس متمم قانون اساسی مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۴ دارالشورای ملی رسمیت یافت، به تدریج به صورت مهم‌ترین نهاد تاثیرگذار بر روند فعالیت‌های مجلس و دربار درآمده و در جای جای کشور در سطوح وسیعی اقدامات خود را آغاز کرد و به عنوان حامیان مجلس و مشروطه شناخته شد. شایان ذکر است رویکرد مشروطیت در آذربایجان از همان آغاز شکل‌گیری ویژگی خاص خود را داشت، تمام اهداف و مطالبات فعالان در قالب یک مجموعه منسجم، همه عوامل و عناصر جامعه را در بر می‌گرفت و نیز از یک مجرای واحد هدایت و راهبری شده، تکوین یافته بود. این مجموعه منسجم، انجمن تبریز بود که بعدها عنوان رسمی انجمن ایالتی آذربایجان را به خود گرفت و از جمله تشکل‌های مردمی آن روزگار به‌شمار می‌رفت که نقش اصلی آن پس از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ه.ق و به توپ بسته شدن مجلس و سرکوبی سایر انجمن‌ها در عرصه ایران برجسته تر گردید. در این نهاد مردمی؛ روحانیت، اصناف، روشن‌فکران، اصحاب قلم و حتی افراد عادی و پایین دست جامعه آن روزگار عضویت داشتند و در تعالی و پیشرفت از بذل جان و مال مضایقه نمی‌کردند. لیکن درست است که مشروطه خواهان و بانیان انجمن به آرمان‌ها و آرزوهایی که در دل داشتند، نرسیدند و این نهضت به مرور زمان گرفتار هرج و مرج و سرانجام منتهی به دیکتاتوری سهمگین و وحشتناکی گردید، اما در ماهیت و ذات آن تغییری حاصل نشد و نهایتاً در شکل دیگری تداوم یافت.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع این مقاله با نگاهی به اهمیت انجمن تبریز در روزگار مشروطه، به رغم پرداختن به این رویداد تاریخی از گذر نگارش کتب و مقالات گوناگون، ضرورت توجه به این رخداد که موجبات تحولات شگرف و بنیادی در جامعه شده، همواره از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و دارای پیشینه

پژوهشی مستقلی نیز می باشد، لذا به استناد بر همین اصل، در این تحقیق علاوه بر ارائه اسنادی جدید و نویافته، تکیه بر حول محور اقداماتی می باشد که در سایه توجّهات انجمن ایالتی آذربایجان در روزنامه انجمن تبریز انعکاس یافته است. از این منظر شایان ذکر است: کتاب «انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان» اثر منصوره رفیعی (جعفره فشارکی). به گفته خود مؤلف این اثر تنها تحلیل کلی درباره روزنامه انجمن تبریز و اهمیت آن از نظر سیاسی اجتماعی اقتصادی بوده و در عین حال بازگو کننده سیاست های انجمن تبریز در دوران نهضت مشروطیت ایران است. و در واقع باید از آن به مثابه مقدمه ای در معرفی روزنامه انجمن تبریز نام برد. منصوره اتحادیه (نظام مافی) نیز در کتاب خود «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت» به ریشه یابی و چگونگی شکل گیری انجمن ها و فرقه ها و نقش آنها در قبل و بعد از نهضت مشروطه پرداخته و دلایل داخلی و خارجی در شکل گیری آنها، بنیان گذاران، دیدگاه ها و مواضع، خواسته ها، ترکیب و جایگاه انجمن ها در مجلس اول و کشمش های آنان با یکدیگر را بررسی کرده است. همچنین اسماعیل رائین در کتاب خویش «انجمن های سری در انقلاب مشروطیت» به بررسی وقایع مشروطیت پرداخته و نقش انجمن های ایالتی و ولایتی در انقلاب مشروطه را بازتاب داده است. کتاب «انقلاب مشروطه ایران» تألیف ژانت آفاری یکی از منابع مهم در این زمینه محسوب می گردد. برای ایرانیانی که عادت کرده اند انقلاب مشروطه را از زاویه دید بازیگران آن میدان یا وابستگان آنها بنگرند؛ این کتاب پژوهشی از ورای تمام این منابع و با بهره گیری از آنها و مهم تر از همه زدودن زوائد و اغراق گویی های خودمحرانه در آنها است. در این اثر، نویسنده اشاره کوتاهی به انجمن های مردمی و جایگاه آنان و نقش حامیان این انقلاب و انجمن داشته است، حال آن که مبنای شکل گیری و عملکردهای انجمن ایالتی آذربایجان و ایفای نقش حامیان آن، تحقیق گسترده خود را می طلبد. کتاب «سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران» به سال ۱۹۲۶ میلادی که توسط سه تن از نویسندگان روسی به نام های م. پاولویچ-و. تریا-س. ایرانسکی نوشته شده، در بخش سوم با نگاهی فراتر، به شروع نهضت و نقش تعیین کنندگی انجمن ایالتی آذربایجان در خصوص مبارزات مردم ایران در راه آزادی ملی پرداخته شده است، که از این نظر حائز اهمیت می باشد. در این مقاله، سعی بر آن شده است تا با ارائه مطالبی از روزنامه انجمن تبریز و اسنادی جدید در رابطه با نقشی که انجمن ایالتی آذربایجان در آن عصر عهده دار بود، بیان زوایایی از موضوع انجام گیرد. اما، پیش از پرداختن به بحث اصلی مقاله، لازم است مطالبی چند درباره انجمن های ایالتی و ولایتی به اختصار بیان شود.

شکل‌گیری انجمن‌های عصر مشروطه

پیدایش انجمن‌های عصر مشروطه، ریشه در دوران مبارزه با استبداد سلسله قاجار داشت و انجمن‌های سری دوران حکومت مطلقه ناصرالدین شاه، پایگاه نخستین مراحل سیر آزادی و نهضت تجدّد طلبی و ترقّی خواهانه در ایران بودند. در واقع، فعالیت انجمن‌های پیش از عهد مشروطه، الگوی خوبی برای شکل‌گیری انجمن‌های ملی به منظور دفاع از نهضت مشروطه به حساب می‌آمدند (رائین، ۲۵۳۵، ص ۱۵۲). این انجمن‌ها که با درخواست مردم و به صورت انجمن محلی با دیدگاهی در جهت حل مشکلات و رفع موانع و تعالی آنان و یا با مقاصد سیاسی پای بر عرصه وجود گذاشته بودند، نهایتاً با صدور فرمان مشروطیت در اواخر تابستان ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۶ م. برای نظارت بر انتخابات مجلس رسمیت یافتند. ماده ۹ نظام نامه انتخابات، تشکیل انجمن‌هایی را به عنوان مرکزی که بر انتخابات مجلس نظارت کنند، مقرر کرده بود. همچنین تصریح شد که نمایندگان انجمن‌ها از میان طبقات شش گانه (علما، شاه زادگان، اعیان، تجّار، ملاکین و فلاّحین، کسبه و اصناف) انتخاب شوند (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۵۳). انجمن‌های مزبور در حقیقت هسته‌های اولیه برای تشکیل انجمن‌هایی به نام انجمن‌های ایالتی و ولایتی بودند که بعدها در نقاط مختلف کشور تشکیل شدند.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی

پیش از تصویب قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، نخستین انجمن در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ / ۷ اکتبر ۱۹۰۶ در تبریز شکل گرفت که هدف اصلی آن، نظارت بر انتخابات مجلس در آن شهر بود. علاوه بر آن، در شهرهای دیگر همچون رشت و اصفهان نیز، انجمن‌هایی به همین منظور به وجود آمد. با پایان گرفتن انتخابات، محمدعلی میرزا ولیعهد تصمیم گرفت انجمن تبریز را تعطیل کند؛ اما آزادی خواهان تبریز زیر بار تصمیم وی نرفتند و در خانه حاج میرزا حسن مجتهد جمع شده و پس از مذاکرات بسیار بر آن شدند که با تعطیل انجمن موافقت ننموده و پایداری نمایند. سرانجام محمدعلی میرزا طی دست خط ۱۷ رمضان ۱۳۲۴ / ۴ نوامبر ۱۹۰۶ ناگزیر به ادامه کار انجمن گردن نهاد (کسروی، ۱۳۱۹، صص ۱۷۴-۱۷۵؛ رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۲۹).

«سواد دستخط مبارک حضرت اقدس ولیعهد ارواحنا فداه

انجمن ملی تبریز کما فی السابق برقرار بوده و یک نفر مأمور بتصدیق اجزاء انجمن از جانب حضرت اقدس معین و در انجمن حاضر خواهد شد که اجزاء انجمن در امورات جزئی و کلی ملت هر چه

حکم نموده اند بموقع اجراء گذارد و کارگذار آن حضرت والا در اجراء تمام احکامات انجمن ملی تقویت خواهند نمود. هفدهم رمضان المبارک ۱۳۲۴» (انجمن، سال ۱، ش ۵، ص ۲).

هر چند که، پیش از تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی؛ انجمن های متعددی در نقاط مختلف کشور همچون تبریز، رشت، اصفهان، شیراز، کرمان، خراسان و چند شهر دیگر فعالیت داشتند، اما از آنجایی که وجه مشترک انجمن ها در اقدامات اولیه، وادار کردن حکام و مامورین دولتی به شناخت رسمی انجمن و رعایت حقوق اجتماعی مردم بود، اکثر حاکمان محلی به نظام گذشته وفادار بودند و اجازه فعالیت به انجمن ها نمی دادند، لذا انجمن های مذکور تلاش زیادی برای تصویب قانون مزبور از خود نشان دادند، تا آن که در ۳۰ صفر ۱۳۲۵ / ۱۳ آوریل ۱۹۰۷، مجلس؛ قانون «انجمن های ایالتی و ولایتی» را به تصویب رساند و انجمن های مزبور را نماینده دولت خواند. در ادامه، مجلس برای رفع هرگونه ابهامی، تلگرافی به همه نقاط کشور مخابره کرد و در آن تصریح نمود: از ممالک ایران؛ فقط چهار مملکت آذربایجان، خراسان، فارس، کرمان و بلوچستان، به عنوان ایالت مقبول شده و سایر ممالک ایران تماماً به عنوان ولایت به شمار آمده و فقط در شهر حاکم نشین هر ولایت انجمن ولایتی تشکیل خواهد شد (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۵۳). ولایات مزبور شامل کرمانشاه، بروجرد، اصفهان، یزد، عراق، استرآباد، مازندران، کردستان، رشت، قزوین و بوشهر می شد (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱، ص ۳۶). ظاهراً تقسیم بندی ایالات و ولایات کشور منطقی و بی اشکال نبود و به همین علت، اعتراض برخی از وکلای مجلس و مردم، خصوصاً اهالی رشت و انزلی، را در پی داشت. با این حال، هیچ تغییری در این باره صورت نگرفت (رابینو، ۱۳۵۲، صص ۲۴-۲۵). انجمن های ایالتی دارای ۱۲ نفر عضو از مرکز ایالت، و انجمن های ولایتی دارای ۶ نفر عضو از مرکز ولایت بودند که در ماده ۴ قانون انجمن های ایالتی و ولایتی تصریح شده بود. علاوه بر آن، از هر ولایت تابع ایالات یک نفر به انجمن ایالتی، و از هر بلوک تابع ولایت یک نفر به انجمن ولایتی اضافه می شد (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۲۷).

از جمله وظایف مهم انجمن ها، نظارت بر اجرای قوانین مقرر و رسیدگی به امور خاص ایالت بود که شامل رسیدگی به شکایات مردم از حکام، نظارت بر انتخابات ایالات و وصول مالیات و غیره می شد. فعال ترین این انجمن ها، که نقش برجسته ای در تحولات سیاسی عصر مشروطه ایفا کردند، عبارت بودند از: انجمن ایالتی آذربایجان، انجمن ولایتی رشت، انجمن ولایتی اصفهان و انجمن ایالتی کرمان.

انجمن ایالتی آذربایجان

از فعال ترین و انقلابی ترین انجمن های ایالتی، انجمن ایالتی آذربایجان بود که مجلس ملی، انجمن مقدس و انجمن تبریز نیز خوانده می شد. هسته اولیه انجمن تبریز پیش از رسمیت یافتن انجمن های ایالتی و ولایتی فعالیت های خود را آغاز کرده و پیش تاز مبارزه در عرصه های مختلف سیاسی بود. پس از تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی، انجمن تبریز به «انجمن ایالتی آذربایجان» تغییر نام یافت. این انجمن در غرة رمضان ۱۳۲۴ / ۱۹ اکتبر ۱۹۰۶ روزنامه ای در یک صفحه منتشر ساخت که ارگان رسمی آن به شمار می رفت و از بدو تأسیس مراحل چندی را طی کرد، چه از نظر عنوان و چه از نظر حجم. مطالب روزنامه مذکور؛ به خصوص اکثر مندرجات شماره های نخست آن، درباره اقدامات انجمن و وقایع آذربایجان بود که با نثری ساده نوشته می شد. روی هم رفته، این روزنامه از منابع مهم برای آشنایی با نحوه فعالیت های انجمن ایالتی آذربایجان و رخ دادهای سیاسی تبریز در عصر مشروطه به شمار می آید.

از آنجا که انجمن های ایالتی و ولایتی برای نظارت بر صحت انتخابات نمایندگان مجلس اول رسمیت یافتند در واقع به عنوان نماینده دولت مرکزی فعالیت می کردند. انجمن مزبور نیز که از طرف مجلس؛ تشکیلاتی ایالتی اعلام شده بود، این وظیفه خطیر را، که همان نظارت بر انتخابات بود، بر عهده داشت. نمایندگان انجمن ایالتی ۱۲ نفر بودند که از میان طبقات شش گانه مردم انتخاب شده و با سوگند به قرآن متعهد بودند که به دولت و ملت خیانت نمایند (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۴۱). در این راستا و در خصوص اقدامات جلیله انجمن ایالتی آذربایجان درباره الزام انجام کارهای مربوطه در خصوص وکلای دارالشورای ملی، در روزنامه انجمن این چنین آمده است: «روز سه شنبه دویم ماه وقت عصر وکلای محترم انجمن ملی در منزل جناب آقا میراسماعیل آقا وکیل مراغه جمع شده و در خصوص روانه داشتن وکلای طهران و جابجا و تهیه کردن مخارج آنها مذاکره و صحبتها نمودند قرار بر این شد که طبقات شش گانه هر یک مخارج وکلای خودشانرا جمع نموده بدهند و بجهت اتمام این عمل قرار شد ... وکلای طهران را که دوازده نفر است تا هفدهم همین ماه انشاءالله روانه نمایند و قرار داده اند که این وکلای طهران متفقاً از تبریز حرکت و با هیئت جامعه سلامتی وارد طهران شوند و روز حرکت وکلا باید تمام بازار و دکانین را بسته عموم اهالی وکلای طهران را تا باغ صاحب دیوان با ازدحام و جمعیت با کمال احترام مشایعت نمایند» (انجمن، س ۱، ش ۲۲، ص ۱).

در ادامه، تدارک مراسم و بدرقه وکلای دارالشورای ملی بود که از طرف انجمن تبریز با انعقاد عهد و الزام و متعهد ساختن وکلا به امر محوله، پایان یافت. «... و موقع حرکت مسافری رسید در حیاط انجمن یکشیشه عکس هم از وکلا و حضار برداشته مسافری و مشایعت کنندگان از حضرات علما و فضلا و سادات و تجار و کسبه و اعیان و غیره پیاده روانه شدند تا جلو مسجد امیرخیز که درشکه مسافری را نگاهداشته بودند در جلو مسجد منبری گذاشته وکلا را در پله های منبر نشانده جناب آقا شیخ سلیم کلام الله مجید در دست در عرشه منبر ایستاده اول عهدی از جانب تمام اهالی از وکلاء عظام گرفتند که همواره مساعی جمیله و اهتمامات وافیه در نظم امور و آسودگی و رفاهیت جمهور و استحکام و ازدیاد شوکت دولت قویشوکت شش هزار ساله ایران صانه الله عن الحدثان نمایند و از قواعد دولت و ملت مشروطه قدمی خارج نگذارند و ملاحظه نداشته باشند. ... و کلام خداوندی در میان شما و ایشان حکم باشد. ... سپس وکلا بامید خداوندی سوار درشکه ها گشته باهالی وداع کرده از راه جلفا روانه شدند ...» (انجمن، س ۱، ش ۳۰، ص ۲).

علاوه بر امر نظارت برانتخابات، رسیدگی به شکایات و تظلمات، بجهت استدعای آسایش از سوی مردم در راستای توجهات انجمن ایالتی آذربایجان، از دیگر اقدامات جدی بود که از سوی دولت مرکزی بر عهده انجمن گذاشته شده بود. «جمع کشیری از اهالی در انجمن حاضر شده عرضه داشتند اینکه در هر هفته سه روز برای تعطیل اعضاء مجلس معین شده که بامورات داخله خود رسیدگی کرده و استراحت نمایند خیلی با قاعده و خوبست. لکن در این سه روز که ایام تعطیل است در انجمن کسی نمیباشد بعراض و شکایت مردم رسیدگی نموده جواب شافی بدهد و این مسئله باعث یأس و دلگیری اهالی میشود لهذا متمنی شدند که اعضاء از طرف خود دو نفر شخص امین منتخب نمایند تا در روزهای معین تعطیل اجزا در انجمن حضور داشته بعراض عارضین رسیدگی نموده ماحصل را باعضاء انجمن خبر و اطلاع بدهند ...» (انجمن، س ۱، ش ۵، ص ۱).

انجمن تا حد زیادی تابع نظرات و خواسته های توده مردم بود. موارد متعددی پیش آمد که ناچار از پذیرش خواست مردم گردید که صریحاً در مقابل سستی ها عکس العمل نشان می دادند. «روز پنجشنبه جمعی از اهالی در انجمن ملی حاضر شده از اعضاء و وکلاء استدعا کرده بلکه مجبورشان نمودند که حکماً امورات انجمن را تا رسیدن قانون اساسی بقرار فصول ذیل مرتب و منظم نمایند:

- اول باید دو مجلس ترتیب دهند (۱) مجلس عمومی که عبارت از مجلس محاکمه باشد در آنجا هر روز بعرایض و تظلمات اهالی رسیدگی شود. (۲) مجلس خصوصی که هر هفته دو روز روزهای یکشنبه و چهارشنبه چهار ساعت بغروب مانده وکلاء تجّار و شش نفر وکلاء اصناف که انتخاب و معین خواهند شد جمع گشته در امورات و مطالب عمده دولتی و ملّتی مذاکرات نمایند.
- دوم باید اصناف و کسبه از طرف خودشان دوازده نفر انتخاب نمایند که با وکلاء تجّار هر روز با اُمنّا و به در انجمن حاضر بوده باشند.
- سیّم شش نفر از وکلاء اصناف که معین و منتخب شده اند حق ورود به مجلس خصوصی و بیان کردن رأی خود را دارند
- چهارم باید هر روز بغیر از روزهای جمعه سه نفر از وکلاء تجّار و دوازده نفر از وکلاء اصناف و مأمور اجرا در انجمن از صبح تا غروب در مجلس عمومی حاضر شده بعرایض و تظلم اهالی رسیدگی و احقاق حق نمایند.

بموجب فصول مزبور فوق وکلاء از روز شنبه ۲۱ ماه هر روز در مجلس عمومی جمع و در آن جا بالمرّه بعرایض و امورات اهالی رسیدگی می شود امید است انشاءالله بزودی کارها منظم و مرتّب و عرض عارضین تمام شود» (انجمن، س ۱، ش ۱۸، ص ۱؛ رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۴۱-۴۲).

برای نمونه در گزارشی از روزنامه انجمن که درباره اقدام انجمن ایالتی آذربایجان در راستای تظلم خواهی یک کشیش مسیحی می باشد، اینچنین آمده است: «یک نفر کشیش جبرئیل نام که چپاری تازه از سلماس رسیده بود در انجمن حاضر و... اظهار نمود که بعرض و تظلم آمده...: مرا رعایای قریه خسرو آباد و سلماس که عموماً نصارا می باشند وکیل نموده و معلّجاً روانه کرده اند عرایض و تظلمات آنها را به حضور مبارک اعضاء محترم ملّی عرضه دارم از طرف جناب ناصرالوزاره مدتیست علی خان نامی مأمور و در خسروآباد آنچه تعدّدی و اجحاف است در حق رعایای بیچاره که رعیت ایران هستند نموده... از عدالت انجمن ملّی استمداد می خواهیم که رسیدگی و تحقیق کرده از وی حقانیت بیچاره رعایای خسروآباد را که رعیت مالیات بدّه پادشاه ایرانند آسوده نموده... قول صریح در رفع شکایت و تظلمات ایشان از انجمن مبارک داده شد...» (انجمن، س ۱، ش ۱۹، ص ۱). در قبال این موضوع از طرف انجمن برای رسیدگی به دعاوی مردم، شکایات و تظلمات، مجلس محاکمه ای تشکیل گردید که عرایض مردم را به دوایر دولتی ارجاع می نمود.

کسروی که از نزدیک شاهد فعالیت های این انجمن بوده است، درباره هدف اصلی از تأسیس آن، می نویسد: برای جلوگیری از اندیشه های محمدعلی شاه درباره مجلس و استواری کار مجلس و کوتاه گردانیدن دست بیگانگان و برای جلوگیری از خودسری حکم رانان، چنین می خواستند که در همه شهرها رشته امور در دست خود مردم باشد تا حکم رانان نتوانند با دستور محمدعلی میرزا کارشکنی هایی کنند. این را خود تبریزیان به کار بسته و چنان انجمنی بر پا گردانیده بودند و می خواستند در همه جا آن باشد (کسروی، ۱۳۱۹، صص ۲۱۵-۲۱۶). انجمن تبریز که جنبش انقلابی آذربایجان را اداره می کرد، مترقی تر از سایر انجمن ها بود. عملاً بر فعالیت های مأمورین شاه در آذربایجان نظارت می کرد و اقدامات مفیدی به نفع توده های خلق انجام می داد (ایوانف، ۱۳۵۷، ص ۷۳). انجمن مزبور با انجمن های سایر شهرهای آذربایجان تماس داشت و دستوراتی خطاب به آنها صادر می کرد. انجمن ایالتی آذربایجان به طور کلی تندرو و انقلابی بود (رائین، ۲۵۳۵، ص ۱۰۹-۱۱۰). شهرت این انجمن فقط به علت این نبود که نخستین انجمنی بود که پس از مشروطه تشکیل شده بود، بلکه به دلیل حمایت مؤثری بود که در ذیحجه ۱۳۲۵ / ژانویه ۱۹۰۸ از مجلس کرد و اعتصاب گسترده ای را در تبریز دامن زد تا محمدعلی شاه خواسته های آن را که عزل میسیونوز و قبول اساس مشروطه بود، بپذیرد (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص ۱۵۷). در راستای این اقدامات، انجمن ایالتی آذربایجان خواهان اصلاحات وسیع تر و اساسی تر اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور بود و همین طور در مسایل مربوط به مشروطه، مواضعی تغییرناپذیر داشت و حاضر به هیچ گونه سازشی با استبداد نشد (رفیعی، همان، ۱۶۴).

روی هم رفته، انجمن تبریز در کلیه مسائلی که جنبه حکومتی، دولتی و قانون گذاری داشت، در محدوده ایالت آذربایجان دخالت می کرد و نقش با اهمیتی ایفا می کرد. در پی اشعار از طرف انجمن ایالتی آذربایجان من باب تشویش و ازیاد پریشانی شهر و عموم مسافران در خصوص تعدیات عمل نیم گزی، که موجب انواع تأثر و تأسف بود؛ به واسطه عدم تمکین آنان، انجمن اقدامات جمیله به عمل آورده، نکته فروگذار نکرد. برای نمونه در یک اعلان از روزنامه انجمن به تاریخ ۱۱ ذیقعه ۱۳۲۴ ق. این چنین آمده است: «لایحه که در خصوص موقوفی و قدغن (نیم گزهای دلاله زن بازار) تمام وکلای اصناف نوشته و مهر کرده بودند در مجلس قرائت شد ملخص این لایحه این بود که نیم گزهای دلاله زن بازار که دزدان بازاری بوده و اسم خودشان را دلال گذاشته اند و مدت مدید است بیچاره دهاتی ها و زوآرهای غریب و سایر مسافرین در چنگ آنها دستگیر بوده و با اقسام حییل اهل

دهات و غربا را فریب داده و در توی راسته بازار با هزاران دسیسه در خریدن بعضی اشیاء و مال بزآزی و غیره مغبون بلکه لخت می کنند و در انظار تمام دهاتی ها بلکه در انظار عموم زوآر غریب که باین شهر وارد می شوند اهل تبریز را دزد و بیدین بقلم میدهند باید بکلی موقوف و قدغن شود که من بعد باین شغل مشغول نگشته و کار علیحده برای خودشان پیدا کنند... در آخر مجلس قرار دادند که اگر کسی در بازار ببیند که نیم گزها مشغول شغل اولی هستند اسم آنها را نوشته سه چهار نفر شاهد گرفته بانجمن اطلاع بدهند که بتوسط حکومت تنبیه سخت شود و هر اصناف که بتوسط نیم گز داد ستد کند او هم مورد تنبیه خواهد شد» (انجمن، س ۱، ش ۲۳، ص ۱).

در ادامه، از طرف انجمن ایالتی آذربایجان درباره موقوف رسومات غیرمشروعه و حرکات و رفتار بی قاعده، خطاب به عموم مردم، اینگونه آمده است: «بر عموم اهالی تبریز اعلام می شود منظور از مشروطیت و تشکیل انجمن ترویج تمام احکام شرعی و نشر رسومات ادب و انسانیت است و حرکات بیقاعده و ناملائمات را بکلی موقوف و رسومات غیر مشروعه عهد سابق را متروک نمایند. مخصوصا اعضای انجمن ملی از عموم اهالی تبریز مستدعیند بعد از این نوعی سلوک غیر مودبانه نمایند که به اعتبار و شرف انجمن و ملت صدمه رساننده و بوحشی گری و بی ادبی معروف شود. هرگاه اصناف کم فروشی نماید باید طبق اعلان سابق سه نفر شاهد گرفته و به انجمن ملی اطلاع بدهد که موافق قانون شرع انور و عرف انجمن بعد از تحقیق و رسیدگی بمامورین اجرا و دوائر حکومتی رجوع نموده تنبیه و سیاست شرعی بعمل آید و هکذا در محلات و در سایر مواقع اگر کسی از هر طبقه یکنفر را دید مرتکب خلاف شرع انور و منافی انسانیت باشد غیر از اطلاع دادن انجمن تکلیف دیگر ندارد و باید بانجمن ملی اطلاع داده رفع و دفع آنرا خواستگار باشد بعد از این احدى بدون اطلاع انجمن ملی و از روی استبداد و خودغرضی و خودسری بکلی حق تعرض ندارد و انجمن ابدأ از او حمایت نخواهد کرد» (انجمن، س ۱، ش ۷، ص ۲).

در خصوص تشریح موقوف برخی دستورالعمل ها که هر از گاهی زبان اعتراض بعضی عوام را نیز در پی داشت، در گزارشی به نقل از روزنامه انجمن این گونه به صراحت بیان شده است که: «اعضای انجمن مقدس ملی و واعظین ملت دوست وطن پرست محض رفاهیت و آسودگی اهالی تعهد کرده و قرار گذاشته اند بعد از این در تمام مجالس فاتحه خوانی و تعزیه داری صرف جای را موقوف نموده بهمین قهوه و قلیان و چوبوق اکتفا نمایند. روز سه شنبه ۱۳ ماه که در منزل جناب عمده التجار حاجی علی آقا فاتحه خوانی بود اعضای انجمن مقدس به تعهدات خود عمل کرده قرارداد فوق را

مجری داشته همین قهوه و قلیان و چوبوق صرف شد. و مقرر نمودند که این مطلب را که صلاح عموم ملت است در جریده ملی درج کرده و بعموم اهالی اعلان نموده که همت کرده در وطن پرستی صرف چای را در مجالس فاتحه خوانی و تعزیه داری موقوف نموده قند چای خارجه را که موجب خانه خرابی ملت ایران است کمتر صرف نموده پول مملکت را در منفعت خارجه مصرف نکنند. ... این قرارداد خیلی صلاح ملت بوده و در روزنامه درج نموده از عموم اهالی محترم استدعا خواهد شد که باین تعهد و قرار عمل فرمایند اما بشرطیکه مقررر نمائید این قاب و قدح را که در قوطی جزوهای قرآن گذاشته اند و به هیچ باب داخل نیت و منفعتی بمرده و زنده ندارد جمع نموده برداشته موقوف نمایند بجهت آنکه بعضی اهالی قاب و قدح ندارد که در مجلس فاتحه خوانی خود بگذارد بنا بعبادت قدیم مرده خود را فراموش نموده به این در آن در دویده قاب و قدح جستجو میکند شاید این عرض بنده که چند روز قبل در یکی از محلات یک نفر آدم بی بضاعت وفات یافته صاحب مرده صبح زود درهای همسایها یک یک زده پی قاب و قدح میگردید که مجلس فاتحه خوانی بی قاب و قدح نباشد لهذا آقایان حضار و صاحب مجلس محترم عرض بنده را قبول و تصدیق کرده و قاب و قدح را از مجلس برداشتند و قرار شد که بعد از این در مجالس فاتحه خوانی گذاشتن قاب و قدح هم موقوف باشد» (انجمن، س ۱، ش ۲۵، ص ۴). حسب این که من قبل آن نیز در موقوف نمودن این دو رسوم، از سوی انجمن؛ دستوراتی صادر گردیده بود: «... و صرف چای در بازار خواه در حجره و خواه در قهوه خانه برای خود و مهمان شان قدغن اکید نمایند. فوراً همین دو امر مهمه را در ورقه مسطور و عموماً ممههور و ممضی داشتند. وقوع همین امر در محله لیل آباد بوده است» (انجمن، س ۱، ش ۲۴، ص ۴).

متعاقب آن در جهت غرض و تعرض های صورت گرفته از سوی برخی مغرضین؛ که موجب ازدیاد تشویش و پریشانی عموم مردم گشته بود، انجمن ایالتی آذربایجان را مجدداً ناگزیر از پیگیری و رفع این امر کرد. «بعضی مفسدین انجمن ملی را عنوان و دست آویز کرده می خواهند اغراض نفسانی خودشانرا ظاهر نموده و حرکات وحشیانه سابق را مرتکب گشته و نسبت آنرا بانجمن بدهند من جمله جمعی از مغرضین در کوچه و بازار از طایفه نسوان بجهت پوشیدن چادرشب مادام و کفش قوندارا ممانعت نموده و متعرض می شوند یا اینکه بسایره تهمت‌ها و اسمهای ناشایست بزنان مسلمین اذیت و آزار می کنند و بعضی هم بمردم جهت پوشیدن بعضی لباسها اعتراض نموده دشنام و بد میگویند اینها همه حرکت وحشیانه مغرضانه است و آقایان علماء و انجمن ملی ابداً از اینگونه حرکات

ناشایست خبری ندارند و هیچ وقت اینطور حکم وحشیانه از انجمن ملی نمی‌شود. آقایان علماء و واعظین هیچ وقت نمی‌فرمایند که پوشیدن چادر شب مادام و کفش قوندارا و بعضی لباسها حرام است و باید مردم مزاحم و متعرض آنها شوند همین می‌خواهند مردم را بپوشیدن ملبوسات و منسوجات وطن ترغیب و تحریص نمایند و می‌فرمایند پوشیدن مال وطن از پوشیدن مال خارجه بهتر است جمعی هم نسبت خود را بانجمن داده و می‌خواهند سکوی دکاکین مردم که در کوچها واقع است خراب نمایند و جمعی هم بارامنه جهت خریدن بعضی اشیاء متعرض می‌شوند کشمش و سبزه آنها را تاراج می‌نمایند. لهذا انجمن ملی اعلان می‌نمایند بعد از این هر کس از مفسدین باین حرکات وحشیانه و ناشایست اقدام نموده و بمردم اذیت و آزار رساند هر کس اینطور شخص را دید یا او را بشناسند یا اینکه اسمش را نوشته و شاهد گرفته بانجمن اطلاع بدهند تا اینکه بتوسط حکومت شخص مغرض را تنبیه سخت نمایند تا عبرت سایر مفسدین و مغرضین گشته بانجمن ملی تهمت نزنند» (انجمن، س ۱، ش ۱۱، ص ۱). به دنبال این گونه اعمال و برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی، انجمن به تأسیس نظمیه در تبریز اقدام کرد. البته نظمیه تبریز نخستین نظمیه ایران نبود. فکر تأسیس این اداره از زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پیدا شد و بعد از مشروطیت ابتدا انجمن تبریز بود که به فکر ایجاد نظمیه افتاد (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۶۵).

در ادامه، اقدامات انجمن ایالتی آذربایجان و هوشیاری رهبران قیام بود که برای این که مردم در جریان امور قرار گرفته و صحبت از مشروطه قطع نشود به تأسی از قرآن، جهت اتحاد هر چه بیشتر مردم، در خطبه های نماز جمعه که در سه مسجد بزرگ شهر برگزار می‌شد با سخنرانی های پرشوری مضار استبداد را بازگو کرده و مردم را به اتحاد و اتفاق فرا خوانده و آنها را باجریانات مهم جامعه و حکومت همراه می‌کردند. روزنامه انجمن در این باره به تاریخ ۹ شوال ۱۳۲۴ اهتمام به درج گزارشی نمود: «الجمعه سید الايام و من شعاع الإسلام) بواسطة استحکام اتحاد افراد هر ملت یک روز از ایام هفته انتخاب نموده برای خود عید قرار داده و در مجامع و عبادتگاه خود را استیناس و اطلاع از حال همدیگر بهمرسانده و نواقص همدیگر را تکمیل نمایند. بمفاد آیه و فی هدایه ..یا ائیها الدین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله وذرؤا البیع... الخ (الی آخر)، روز جمعه برای مسلمین تعیین و اختصاص یافته که مسلمین بمعابد و مساجد جمع شده از حال همدیگر با خبر و در تشدید ارکان دین مبین و منافع مسلمین شوری و مصلحت نموده و مرتب دارند تا کنون این سنه مرضیه بیک اندازه متروک شده و از اهمیت افتاده بود حال از آنجائیکه ملت غیور ایران

سراسیمه از خواب غفلت چندین هزار ساله بیدار شده متعصبانه بهمه اوامر شرعیه و انسانیّه اقدام نموده و کم کم در صدد اصلاح نواقص آمده اند و جمعه ششم ماه را که بگفته حضرت ختمی مرتبت (ص ع) با آن پاک فطرتی که در خمیره ایشان ممزوج و مجبول طبیعت ایشان است دکاکین و بازار را بسته و در مساجد اجتماع نموده بودند (جناب آقا شیخ سلیم) در مسجد آقای شیخ الإسلام (و جناب آقا میرزا جواد) در مسجد مقبره (و جناب آقا میزا حسین) در مسجد مرحوم حاجی میرزا مهدی وعظ فرموده از فواید مشروطیت ومحسنات اتحاد و منافع اتفاق دولت و ملت مردم را آگاه می نمایند» (انجمن، س ۱، ش ۱۱، ص ۱).

تشکیل مدارس جدید، از دیگر کارکردهای اساسی انجمن ایالتی آذربایجان در ادامه حیات خود بود. میرحسین واعظ از اعضای فعال انجمن و یکی از آن سه عالم واعظ با حنجره ای پُرخروش که مشروطه را در آذربایجان از خطر نابودی نگه داشتند، در خطابه های خویش، مسائل مهم اجتماعی را مطرح می کرد. از جمله به کرات لزوم احداث مدارس را گوشزد می کرد (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۴۳). روزنامه انجمن که زبان گویای انجمن ایالتی آذربایجان بود، ضمن درج این ضرورت در شماره های متعدد، به موضوع مکاتب و مدارس پرداخته است. «پس نشر علوم را مکاتب و مدارس منظم لازم است که در تحت نظارت اشخاص عالم و عادل و امین بطرز جدید تشکیل شده معلمین خوب که دارای صفات حمیده باشند انتخاب شوند. اولاً معلم باید از علم قدیم و جدید باخبر ثانیاً تا بیکدرجه عادل و امین... ثالثاً صاحب اخلاق حسنه از حکمت بهره داشته باشد رابعاً ادیب و از علم اداب انسانیت بصیر باشد... سبب کلی فقط همین فقدان معلمین خوب است. معلمینی که از علم قدیم و جدید بهره دارد و از مضمون آیه إن الله یأمر بالعدل با جرات می تواند یک کسی را علم و عدالت یاد دهد و معلمی که در مدرسه انسانیت درس خوانده... و معلمی که به علم آداب آراسته شده و شیرینی حکمت چشیده ممکن است شاگردش ادیب و صاحب حکمت شود...» (انجمن، س ۱، ش ۲، ص ۱). «... و هر گاه بغیر این طریق افتتاح مدارس و انتخاب معلم شود غیر از تولید شر از متعلمین و تزییع اوقات نوباوگان وطن چشم داشت نیست...» (انجمن، س ۱، ش ۶، ص ۲). «... پس اهالی ایران را لازم است که کهن جامعه خود را پیراسته و نواقص خودشان را بتشکیل دو مجلس رفع نمایند. اولاً مجلس معارفی از علماء اعلام و فضایی کرام و ادبا و معلمین تشکیل نموده اصلاحات لازمه در تسهیل الفباء و تعلیمات ابتدائیه کرده و رفع اشکالات صوتی و تحریری را نمایند... و مجلس هم باسم دارالتّرجمه به نمایندگی انجمن معارف در پای تخت و ایالات که از اهالی خارجه که بسمت اجیری

و استخدام در ایران می باشند و از آقایانی که السنه و خارجه را کاملاً میدانند مرتب فرمایند که کتب علمیه و صنایع را جدیداً و عتیقاً تحصیل کرده و عبارات سهل و آسان ترجمه نمایند...» (انجمن، س ۱، ش ۷، ص ۲).

از سوی دیگر و در راستای اقدامات و توجهات علی العجله انجمن ایالتی آذربایجان و مخصوصاً اعضا و مَعنُونین فهیم آن اقداماتی در جهت سامان دهی غلّه دیوانی و اصلاحاتی درباره نان انجام گرفت که به حُسن نتیجه منجر شد. «... از جانب کارگذاران اداره مالیه و بلدیّه مقرر میشود ریش سفیدان و کدخدای هر یک از قراء که بمنزله بلدیّه همان آبادی خواهد بود از تمام محصولات عشر دیوانی را گرفته انبار مینمایند و در اینصورت مقدار غله اربابی هم معلوم میشود مالک هم غله خود را بحکم شرع و مشروطه در مدت سه روز تا چهل روز بعد از خرمن میدهد بکمپانی مخصوص که از جانب بانک ملی تعیین خواهد شد و قیمت آنرا از قرار نرخ عادلّه دریافت میدارد و از تمام دهات بغوریت بولایات حاکم نشین جزو صورت وصول محصولات دو عشر را میدهند حکام جزو هم بحکومت کل صورت میدهد همینکه مقدار دو عشر محصولات در اداره مالیه و بلدیّه تبریز معلوم و مشخص گشت که کلیتاً حاصل امساله آذربایجان چه شده و تعداد نفوس آذربایجان که از روی بصیرت نموده باشند چه بوده است وزارت مالیه و اداره بلدیّه برآورد دخل و خرج را مینمایند و ملاحظه میکنند آیا این مقدار از روی حساب در هذّه السنه به اهالی ولایات و مصادف دولت کفایت میکند یا کسر دارد یا علاوه یا در بعضی مواضع علاوه است و در بعضی نقاط کم در اینصورت تعدیل نموده دستورالعمل لازمه بکمپانی میدهد که غله را حمل به بعضی نقاط نماید یا از خارجه و داخله مقدار کسر را ابتیاع کند و لوازم سالیانه را در هر نقطه بقدر لزوم حاضر نماید در این ترتیب هماره ماخذ خوراک و محصولات در دست ادارات بلدیّه جزو و کل بوده حاصل و خلاصه اقدامات خودشان را بواسطه روزنامه یا بلدیّه به تمام ولایات انتشار میدهند و نرخ محصولات را در ماخذ کم و زیادی که محققاً و از روی بصیرت در دست دارند میدهند که موجب خسارت مالک و رعایا نشود. واضح است که در دولت مشروطه اوزان هم در روی یک ماخذ صحیح گذاشته اختلاف اوزان ولایاترا که موجب هزاران خسارت و زحمت است رفع و قدغن خواهند فرمود بهر حال با این ترتیبات وزارت مالیه و اداره بلدیّه و کمپانی تا دو ماه بعد از رفع محصول دخل محصولات و مصارف و مخارج خوراکی را دانسته و تدارک سالیانه را دیده با تصویب انجمن ملی که از روی انتخاب صحیح و نظامنامه شده است نرخ غله را مشخص کرده ببخازها داده نان صحیح با قیمت معلوم تا خرمن دیگر میخواهد و لوازم قشون را هم از عشر

دیوانی پرداخته علاوه را ذخیره مینماید. بملاحظه خشک سالی و اطمینان قلوب اهالی با صلاحدید انجمن اصلاح عمل نان در دولت مشروطه از این قرار است...» (انجمن، س ۱، ش ۱۰۰، ص ۲-۳). گفتگوی اعضای انجمن در این باب و مسائلی از قبیل ندادن گندم از طرف خبازها و گرانتر بودن اجرت، تعطیل نشدن آسیاب های آبی شهر، تهیه گندم و آرد و بیچد کردن و فروختن آن و کمبود گندم و مسائل دیگر، همگی از این علل بود که جواب را به فوریت لازم ندانسته و واجب دانسته در این خصوص مذاکره کرده اطراف کار را ملاحظه نموده بعد جواب نوشته شود. که نهایتاً، با مساعی انجمن ایالتی آذربایجان؛ اصلاح عمل غله و نان در ایالت آذربایجان و شهر تبریز سرانجام یافت و منتج به نتایج مطلوبه گردید (انجمن، س ۱، ش ۲۶، ص ۳).

نظارت بر عرضه کالاهای اساسی از دیگر کارکردها و اقدامات اهمّ انجمن ایالتی آذربایجان به حساب می آید. چنان که از اعضای انجمن، شیخ سلیم و میرزا حسین واعظ از کسانی بودند که در سخنرانی های خود بر تحریم کالاهای خارجی و ترویج امتعه داخلی تأکید می کردند و شیخ سلیم به همین دلیل عمّامه ای از کرباس سفید بر سر می گذاشت (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۴۳). در یک اعلان از طرف انجمن مورخه ۷ رمضان المبارک ۱۳۲۴ به عموم مردم ایران این گونه ابراز گردیده است: «ای وطن پرستان و ای صاحبان همت بیایید همت کرده سه متاع را که در مملکت خودتان است و بعموم کفایت می کند پوشیده و رواج بدهیم و از خارجه نیاوریم. اول جوراب که پنبه و پشم حاصل وطن است و زنان بیوه و پیره زنان بریسیدن و بافتن آنها مشغول و گذران میکنند از خارجه نیاورده همین مال وطن عزیز را بیوشیم. دوم کفش را که با چرم ایران دوخته شده و متاع مملکت و چه قدر عمله از ساختن آن معاش خود را میگذرانند خریده چرم و کفش خارجه را در مملکت رواج ندهیم. ... اما بر عکس مملکت ما هر روز سعی میکنیم که متاع ایران ضایع و متاع خارجه رواج یابد. سیم ظرف بدل چینی است که هرگاه تمام اهالی ایران ظرف بدل چینی شانرا مصرف نموده و از خارجه ظرف چینی و غیره نیاورند کرورها تفاوت نموده پولی که روح مملکت است بهدر نرود و برای چه قدر بیکار کار پیدا شود. تکلیف آقایان و عمومی اهالی است که همت کرده لامحاله این سه متاع مملکت را رواج بدهیم» (انجمن، س ۱، ش ۳، ص ۱).

در جریان استقراض از دول خارجی و تأسیس بانک ملی که دولت ایران جهت تجهیز لشگر و سفارش اسلحه از قبیل توپ و تفنگ و غیره از این قرصه جدید ناچار و لاعلاج بود، اقدامات و واکنش

هایی از سوی دولت و ملت را در پی داشت. اعضای مجلس مقدس شورای ملی در خصوص تشکیل بانک ملی به وکلا و اعضای انجمن ملی تبریز به موجب تلگرافات مشروحاً حضوری مخابره نموده و از همت عموم اهالی محترم آذربایجان در تأسیس این امر مقدس استمداد و همراهی خواستند. اعضای انجمن ملی تبریز به موجب عریضه علیحده از محمدعلی میرزا ولیعهد، استدعای اجازه نمودند که در منزل جناب عمده التجار حاجی مهدی آقا تاجر کوزه کنانی مجلس مذاکره منعقد شود.

(سواد دستخط مبارک حضرت اقدس والا روحنا فداه) تلگراف تجار را ملاحظه کردم حقیقتاً اگر تجار آذربایجان در این خصوص همتی بکنند موجب سربلندی عموم ملت خواهد شد و اول پیشرفت ترقی است من هم یک نفر را روز جمعه إنشاءالله به مجلس روانه میکنم (محل صحه مبارک) « (انجمن، س ۱، ش ۱۳، ص ۱).

متعاقب این رویداد، جوابیه انجمن ایالتی آذربایجان من باب مذاکره، در روزنامه انجمن این چنین انعکاس گردید: «... (چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار) امید است که عموم اهالی ملت و دولت پرست آذربایجان با همت بلندی که دارند دست بهم داده متفقاً اقدام بزرگی در تأسیس این امر خیر نموده گوی سبقت از اهالی ممالک ایران ببرند و چنانچه همواره در امورات خیریه و ملکیه پیش قدم بودند پیش قدم تر شوند تا مجسمه همت غیرت و وطن پرستی تمام اهالی مملکت آذربایجان ساخته و پرداخته آید و نام بزرگ و غیرتمندی و همت شان در تمام کره ارض بدین افتخار سترگ مشهور و مشهود گردد» (انجمن، س ۱، ش ۱۳، ص ۲).

فشارها و اعتراض های فراگیر سیاسی علما، مردم و مطبوعات درباره ضرورت تلاش و پیگیری جهت تشکیل بانک ملی، نهایتاً انجمن ایالتی آذربایجان را وا داشت تا در قبال این موضوع اقداماتی انجام دهد. «... بعموم ملت لازم است که در مجالس خودشان قلیان کوزه و سرقلیان برنج را متداول نمائیم و یقین است هرگاه سرقلیان و سایر آلات نقره و طلای مملکت را جمع کرده سگه بزنند مبلغ هنگفتی خواهد شد باید حضرات آقایان علمای عظام ما در منابر منافع بانک ملی و استعمال متاع آنها را بملت بگویند و بجهت تحریص و ترغیب ملت در مجالس خودشان قلیان کوزه و سرقلیان برنج را متداول نمایند تا ملت هم اقتدا بانها نموده آلات نقره و طلا را بالمره موقوف نمایند (انجمن)» (انجمن، س ۱، ش ۵۹، ص ۲).

در جریان نهضت مشروطیت، انجمن ایالتی آذربایجان نقش تعیین کننده ای بر عهده داشت و متنفذتر از سایر انجمن های ایران بود و اغلب تظاهرات از طرف این انجمن ترتیب داده می شد. به ویژه این که با انجمن آذربایجان در تهران، همکاری های نزدیک داشت و رابط میان مردم و مجلس بود (رفیعی، ۱۳۶۲، ۲۸؛ ایوانف، ۱۳۵۷، صص ۵۲-۵۳). اما در پی واقعه ناگوار خُلف عهد محمدعلی شاه و بنای مخالفت با اساس مشروطه، که به هتک حرمت قرآن و به توپ بستن مجلس شورای ملی و مساجد و قتل نفس و برخی شقاوت های دیگر انجامید، انجمن بخاطر وجود زمینه های فکری مشابه و ارتباط نزدیکی که با علمای عتبات عالیات داشت، با تلگرافات متعددی در جهت کسب تکلیف از علمای عظام نجف بر آمد و مبادلات تلگراف بین آنها صورت گرفت که واکنش هایی از طرف علما و حجج الإسلام عتبات عالیات را به دنبال داشت. مشروحه آن تلگرافات به شرح ذیل می باشد:

« (سواد تلگراف حضرات حجج الاسلام عتبات عالیات از نجف اشرف بتاريخ ۱۴ صفرالمظفر بواسطه سیم کرمانشاهان)

(تبریز) انجمن ملی تلگراف مشتمل بتخریب مشروطیت و نسبت تحریم دخول در مجلس بداعیان مجعول تقویت مجلس محترم واجب و تبعید مفسد لازم (الاحقر عبدالله مازندرانی - محمدکاظم خراسانی) « (انجمن، س ۲، ۲، ش ۵، ص ۳).

بدیهی است متعاقب مواعظ علمای عتبات عالیات، اعتراضات فراگیر سیاسی مردم درباره ضرورت پیگیری و مخالفت با نقض عهد از سوی محمد علی شاه قاجار، شدت گرفت. «... حضرات اعضاء انجمن مقدس ایالتی هم از طلوع آفتاب تا پنج از شب گذشته در تلگراف خانه مشغول مخابرات حضوری حضرات علماء اعلام و اجله و اعیان از هر طبقه در اطاقهای عمارت تلگرافخانه اجتماع نموده با عموم ملت متفق القول و هر یک بمناسبت مقام خود بطهران و سایر ولایات تلگرافات اکیده مینوشتند که با قواء جانی و مالی خود در ابقای حقوق ملیت و حفظ منبع دارالشورای کبری حاضریم و من جمله تلگرافی باینمضمون بحضرات حجج الاسلام عتبات عالیات مخابره نمودند:

(توسط تلگراف خانه قصر شیرین بساحت مقدس حجج الاسلام دامت برکاتهم)

«شاه نقض قسم قرآن مجید و مخالفت مجلس در صدد تخریب اساس مقدس مشروطیت ملت آذربایجان با تفدیه جان و مال در مدافعه حاضر و منتظر امر مبارک آقایان هستیم. (انجمن ایالتی آذربایجان)» (انجمن، س ۲، ۲۵، ش ۳۲، ص ۱).

با وجود تلگرافات مزبور، اعضای انجمن به دارالشورای ملی تلگراف کردند که با این وعده ها مشکل است اهالی ساکت شوند و هر قدر می خواهیم ساکت نمایم ناله به فلک می رسد، ملتفت نکته سرحدی باشید کار از دست نرود. ...» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ص ۶۰۶). واکنش های مناسبی که انجمن به موقع در مقابل اعمال محمد علی شاه و مستبدین نشان می داد در واقع اساسی ترین کار انجمن بود. به این ترتیب، اولین بار انجمن تبریز به طور آشکار عزل شاه را اعلام و درخواست نمود (رفیعی، ۱۳۶۲، صص ۲۹-۳۰). با وجود آن و نظر به تلگرافات مجدد از طرف انجمن و وکلای مجلس شورای لیکن هیچ ترتیب اثری در این باره داده نشد و به سرانجام نرسید تا که منتظر پیش آمد شدند.

نمایندگان انجمن ایالتی که شامل ۱۲ نفر می شدند، از میان طبقات شش گانه مردم انتخاب می گردیدند و با سوگند به قرآن متعهد بودند که به دولت و ملت خیانت ننمایند. لذا با ذکر این نکات، از اعضا و اولیای انجمن ایالتی آذربایجان می توان اشخاص زیر را نام برد: حاج مهدی کوزه کنانی، شیخ سلیم، میرزا حسین واعظ، میرزا جواد ناطق، میرزا اسماعیل نوبری، حاج اسماعیل امیرخیزی، میرزا علی اکبرخان وکیلی، سیدحسن شریف زاده، شیخ محمد خیابانی، ثقه الإسلام، معین الرعایا، معتمد التجار، حاج شیخ علی اصغر لیل آبادی، حاج محمدجعفر مؤتمن، میرزا صادق خان صادق الملک، حاج ناصر حضرت و غیره، که اغلب آنها بخاطر ایمان و اعتقاد خود در راه مبارزه با استعمار و عمال داخلی آن، سرانجامی دردناک داشتند (رفیعی، ۱۳۶۲، ص ۴۱). ریاست انجمن در ابتدا با حاج مهدی کوزه کنانی، ملقب به ابوالملّه بود. ... از ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۴ / ۲۵ ژانویه ۱۹۰۷ حاجی نظام الدوله به ریاست انجمن انتخاب شد. مدتی هم بصیر السلطنه رئیس انجمن بود. در گیر و دار جنگ های تبریز و پراکنده شدن اعضای انجمن، در تشکیلات جدید؛ سیدمحمدتقی طباطبایی، ریاست انجمن را عهده دار گردید.

ایوانف روسی معتقد است که انجمن ایالتی آذربایجان را باید نجات دهنده نهضت مشروطیت دانست، زیرا این انجمن بود که کلیه حوادث انقلابی را در آذربایجان و حتی در ایران رهبری می کرد (رائین، ۲۵۳۵، ص ۱۵۵). ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷ / ۲۵ آوریل ۱۹۰۹ به هنگام ورود روس ها به تبریز، مجاهدان

برای جنگ با روس ها از انجمن کسب تکلیف نمودند و کتباً موافقت انجمن را خواستار شدند. سیدالمحققین رئیس وقت انجمن ایالتی، میرزا اسماعیل نوبری، ثقه الإسلام، شیخ سلیم و حاج ناصر حضرت و صادق الملک از جمله اعضای انجمن بودند که موافقت نامه را مهر نمودند، لذا نام آنها برای روس ها شناخته شده بود، این افراد یا دستگیر و اعدام شدند و یا متواری گردیدند (رفیعی، ۱۳۶۲: ص ۴۲-۴۳).

نتیجه گیری

از آنجا که، خاک آذربایجان بیت الحرام معراج سلطنت قاجار بوده و خاک تبریز همیشه مطلع الشمس سلطنت؛ بدین خاطر، ایالت آذربایجان همواره از نقش تعیین کننده ای در همه عرصه ها برخوردار بوده است. بدیهی است در سرآغاز شکل گیری انجمن های ایالتی ولایتی هم، که در جهت نظارت بر انتخاب وکلای مجلس شورای ملی بوجود آمدند، انجمن ایالتی آذربایجان در رفع بسیاری از نارسائی ها موفق بود؛ که نمونه آن را می توان در تأسیس بلدیّه، تشکیل مدارس جدید، تشبیت نرخ نان و گوشت، موقوف رسومات اجحاف آمیز خدمتانه، نیم گزی و قپان داری، اصلاح مقیاس واحد اوزان، تعقیب محتکرین و مصادره و توزیع گندم های آنان و از این قبیل امور دانست. در واقع انجمن ایالتی آذربایجان مجمع مراجعات و مرافعات بود و به طور کلی چشم تمام مردم از ادنی و ادنی و حاکم و محکوم به انجمن بود. گفته می شد در صورتی که از انجمن مأیوس شوند، دیگر چه امیدی باقی خواهد ماند. لذا روزنامه انجمن با توجه به اهمیتی که برای انجمن قائل بود، آن را خانه ملت می نامید. این انجمن در مجلس نیز خیلی محترم و مقدس به حساب می آمد و به مجرد ذکر اسم انجمن تبریز، از چند جای صدای تصدیق و تحسین بر می خاست. حتی با وجود اینکه بعضی اعتقاد داشتند که انجمن تبریز از دارالشورای محترم تر است و اینکه در تلگرافات انجمن تبریز، مجلس را مخاطب به دارالشورای میکنند، بعضی مردمان نکته بین می گفتند انجمن تبریز از این لفظ کبری مقصودش تفکیک از صغری است و انصافاً حق هم دارند زیرا پشت پرده مجلس محترم، انجمن تبریز است.

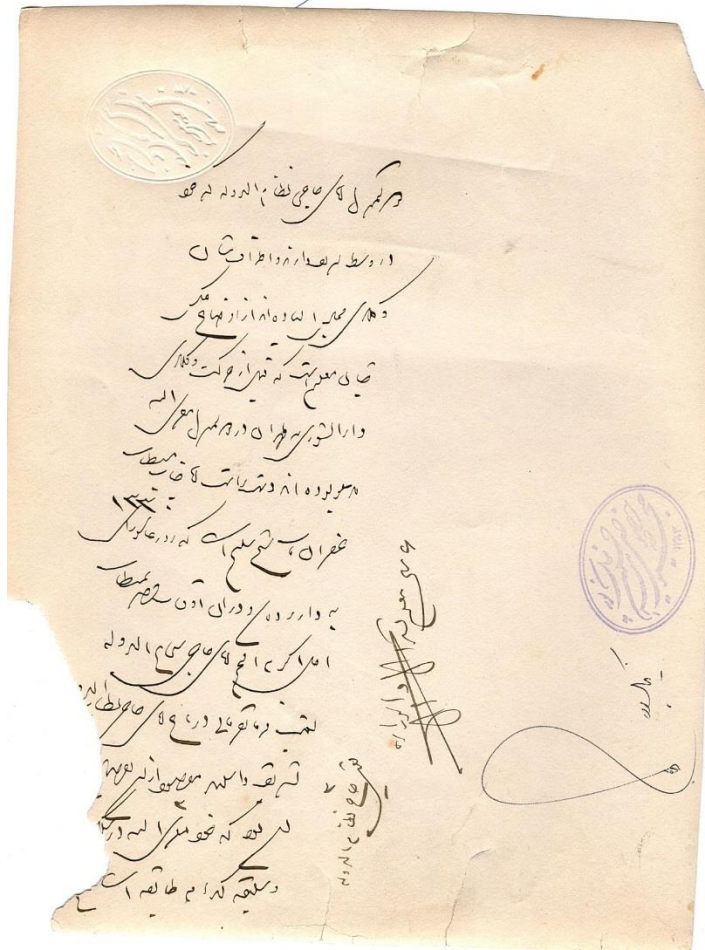
با همه این گفتار، از آنجا که نگرش حکومت و دیوان سالاران نسبت به عملکرد انجمن های ملی، مطلوب نبود و کارکردهای انقلابی انجمن ها، تهدیدی جدی بر علیه آنها محسوب می گردید، لذا؛ تلاش انجمن ها برای ایجاد دگرگونی در نظام سیاسی و اجتماعی را، خطری بر ضد منافع خود می

دانستند و خواهان تشکیل نظم جدید سیاسی، مبتنی بر اقتدار دولت و اعتدال گرایی بودند. و همین طور، دخالت انجمن ها در امور مملکت را، موجب اخلال در نظم عمومی جامعه و تضعیف دولت تلقی می کردند، تاجایی که با تأسی به این انجمن هراسی، روزنامهٔ مجلس در شمارهٔ ۲۵ خود اشاره میکند: انجمن تبریز ادعای دارالشورای بودن داشته است. و در ادامه، در جریان طولانی شدن زمان تدوین و تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی و متمم قانون اساسی- که واکنش جدی مردم و انجمن تبریز را در پی داشت- عنوان کردند که اوضاع حاضرهٔ تبریز استقلال ایران را به خطر عاجل انداخته است. در نهایت، با دست آویز قرار دادن این حجه از بهانه ها، سعی در محدود ساختن فعالیت انجمن ها نمودند. با این حال، مجلس به منظور دفاع از آزادی های سیاسی و مدنی، موضع سختی در برابر انجمن ها اتخاذ نکرد و تلاش دیوان سالاران برای متوقف ساختن فعالیت انجمن ها، راه به جایی نبرد. تا آن که محمدعلی شاه قاجار؛ تصمیم به برچیدن بساط انجمن ها، مجلس و مشروطه گرفت.

ضمائم :



سند شمارهٔ ۱: اعضای انجمن ایالتی آذربایجان در مراسم بدرقهٔ وکلای دارالشورای ملی به تهران



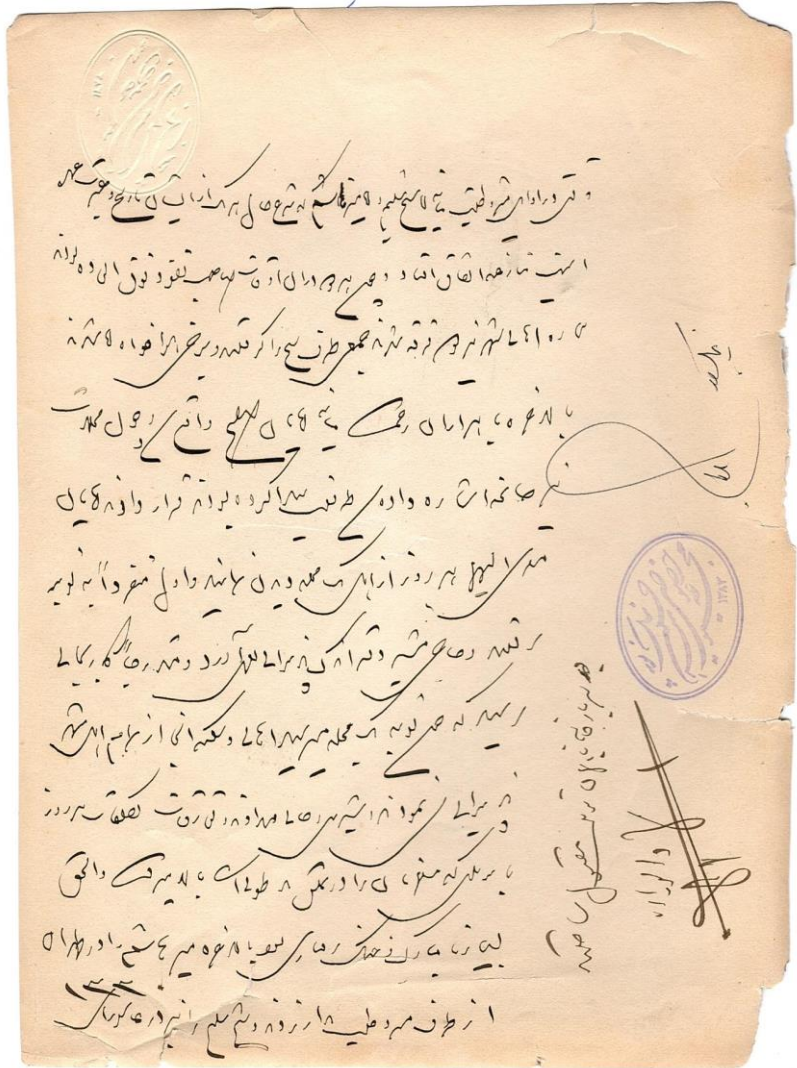
سند شماره ۲

ظهنویسی عکس در خصوص مراسم بدرقه وکلای دارالشورای ملی به تهران از طرف اعضای انجمن تبریز



سند شماره ۳

آذین بندی محلات تبریز به جهت دیدار اعضای انجمن تبریز در رابطه با فیصله امورات و استحکام اتحاد



سند شماره ۴

ظهنویسی عکس در خصوص آذین بندی شهر به جهت دیدار اعضای انجمن ایالتی آذربایجان

منابع

۱. تبریز، ایران. اسناد شخصی دکتر امیرحسین نیک پور، یک برگ عکس پشت نویسی شده در خصوص مراسم بدرقه وکلای آذربایجان از طرف اعضای انجمن ایالتی آذربایجان.
۲. تبریز، ایران. اسناد شخصی دکتر امیرحسین نیک پور، یک برگ عکس پشت نویسی شده در خصوص دیدار اعضای انجمن ایالتی آذربایجان از محلات شهر تبریز.
۳. اتحادیه، منصوره. (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران: گسترده، اول.
۴. ایوانف، میخائیل سرگیویچ. (۱۳۵۷). انقلاب مشروطیت ایران. (آذر تبریزی، مترجم)، تهران: ارمغان، اول.
۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اول.
۶. رابینو، هایسنت لویی. (۱۳۵۲). مشروطه گیلان. (محمد روشن، کوشش گر)، رشت: طاعتی، اول.
۷. راثین، اسماعیل. (۲۵۳۵). انجمن های سری در انقلاب مشروطیت ایران. تهران: جاویدان، دوم.
۸. رفیعی، منصوره. (۱۳۶۲). انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان). تهران: نشر تاریخ ایران، اول.
۹. کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۸۰). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: انتشار، اول.
۱۰. کسروی تبریزی، احمد. (۱۳۱۹). تاریخ مشروطه ایران. تهران: چاپخانه تابان، اول.
۱۱. مجدالاسلام کرمانی، احمد. (۱۳۵۱). تاریخ انحطاط مجلس. اصفهان: دانشگاه اصفهان، اول.
۱۲. خدروی زاده، علی اکبر. (۱۳۸۶). «نقش و کارکرد انجمن ها در مشروطه اول». نشریه مسکویه، بهار، سال دوم، شماره ۶، صص ۳۷-۶۱.
۱۳. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲، (۶رمضان المبارک ۱۳۲۴).
۱۴. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۳، (۷رمضان المبارک ۱۳۲۴).
۱۵. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۵، (۱۸رمضان المبارک ۱۳۲۴).

۱۶. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۶، (۲۲ رمضان المبارک ۱۳۲۴).
۱۷. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۷، (۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۴).
۱۸. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۱۱، (۹ شوال المکرم ۱۳۲۴).
۱۹. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۱۳، (۱۵ شوال المکرم ۱۳۲۴).
۲۰. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۱۸، (۲۸ شوال المکرم ۱۳۲۴).
۲۱. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۱۹، (۳۰ شوال المکرم ۱۳۲۴).
۲۲. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲۲، (۷ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۳. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲۳، (۱۱ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۴. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲۴، (۱۴ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۵. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲۵، (۱۷ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۶. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۲۶، (۲۰ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۷. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۳۰، (۲۹ ذیقعدة ۱۳۲۴).
۲۸. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۵۹، (۱۱ صفرالمظفر ۱۳۲۵).
۲۹. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۶۸، (۸ ربیع الأول ۱۳۲۵).
۳۰. روزنامه انجمن تبریز، سال ۱، ش ۱۰۰، (۴ جمادى الأول ۱۳۲۵).
۳۱. روزنامه انجمن تبریز، سال ۲، ش ۲، ش ۵، (۱۸ صفرالمظفر ۱۳۲۶).
۳۲. روزنامه انجمن تبریز، سال ۲، ش ۲۵، ش ۳۲، (۱۶ جمادى الأول ۱۳۲۶).